

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

میروند تا نه تنها جایگاه زن را همچون یک انسان برابر و آزاد ثبت کنند بلکه آنها پیشقراول یک انقلاب عمیق سیاسی و اجتماعی در ایران فردا خواهند بود. این را از استیضال رژیم در برابر زنان آزادیخواه میتوان دید.
زنان و مردان برابری طلب و آزادیخواه، روز ۸ مارس روز شمامست. این روز باید در هر گوشه شهر صدای آزادی و برابری طنین افکند. در اینروز باید همه بدانند که بدون آزادی زن جامعه آزاد نیست. در این روز باید صفوف ما گسترده تر و متحدتر گردد. با طنین شعارهای آزادی، برابری، لغو آپارتاید جنسی، لغو حجاب اجباری و زنده باد آزادی زن، فضای شهرهایمان را به رنگی سرخ به زیبایی رهایی بشریت بدل سازیم.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!
امیر توکلی



۸ مارس روز اعتراض زنان به شرایط برده وار زندگی در جامعه سرمایه داری است. ۸ مارس در امتداد مبارزات زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلبی است که از زندگی نابرابر و غیر انسانی موجود به تنگ آمده اند و خواهان برابری و آزادی در پایه ای ترین سطح آن هستند. ۸ مارس روز اعتراض به فرو دستی زن در جامعه است. ۸ مارس روز اعتراض به مردسالاری این تفکر ارتجاعی و قرون وسطایی است که در قرن بیست و یکم همچنان بر زندگی زنان چیره است. ۸ مارس اما در ایران روزی است که زنان و مردان آزادیخواه به نظام اسلامی سرمایه داران نه میگویند و خواهان برچیدن بساط کثیف این جانیان هستند. جنبش آزادی و رهایی زن چنان قدرتمند خود را آماده پرورش به بساط جمهوری اسلامی میکند که در تاریخ بشریت ثبت خواهد گشت. زنان برابری طلب و آزاده

کلارا زتکین و الکساندرا کلوتنای

در کنگره بین المللی زنان سال ۱۹۲۱ صفحه ۲

نابود باد آپارتاید جنسی زنده باد آزادی و برابری زنده باد آزادی زن

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

نابود باد جمهوری اسلامی

۸ مارس امسال روز جدال جنبش آزادیخواهی با جمهوری زن ستیز و سیاه اسلامی است

مصاحبه با آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن



انقلاب کارگری: با توجه به تبعیض جنسی و فرو دستی فاحش زن در جامعه ایران، جنبش زنان را برای رهایی چگونه ارزیابی می کنید؟

آذر ماجدی: جنبش آزادی زنان در ایران جنبشی قوی، پرتحرک و گسترده است. این جنبش بخاطر سرکوب و خفقانی که در جامعه حاکم است و بعزت وجود یک نظام شلیدا زن ستیز نمیتواند بشکلی سازمانیافته بروز یابد و رهبران خود را بطور علنی در جلوی صحنه داشته باشد. باین معنا این جنبش ظاهری بی شکل و پراکنده دارد. ولی علیرغم این کمبودی که به جنبش آزادی زن در ایران تحمیل شده است، بجزرت میتوان گفت که این جنبش قوی ترین جنبش آزادی زن در جهان است و تاثیرات آن از مرزهای جامعه ایران نیز فراتر رفته است. وجود این جنبش آنچنان قابل حس و لمس است که تاثیر آن را در کشورهای اسلامزده و در کشورهای غربی در رابطه با ایران و اسلام بعینه می بینیم. یک دلیل اصلی اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، بعنوان «یک زن مسلمان» وجود جنبشی با این عظمت در ایران است که نظام اسلامی در ایران را بمصاف طلبیده است و صراحتاً اعلام میکند که خواهان آزادی و برابری و یک نظام سکولار است. این واقعیت است که جنبش اسلام سیاسی را در منطقه و در سطح بین المللی تحت فشار قرار داده است.

جنبش آزادی زن در ایران از پیش از انقلاب ۵۷ تپقه هایش بسته شد. رشد سرمایه داری در ایران در دهه ۴۰ شمسی

راه را برای شرکت وسیع زنان در زندگی اجتماعی مهیا کرد. نسل جدیدی که در این مناسبات نوین پا بعرصه زندگی اجتماعی گذارد در انقلاب ۵۷ نقش فعالی داشت و طی همین انقلاب بود که خواستههای خود را هر چند بشکلی گنگ مطرح ساخت. سازمانهای زنان در این دوره بوجود آمدند و امر آزادی زن را در سطح اجتماعی مطرح ساختند. در تحلیل موقعیت فعلی جنبش آزادی زن و درک وسعت و قدرت آن

جمهوری اسلامی را بمصاف میطلبند، نهاد ها و انجمنهایی که در رابطه با مساله زن فعال هستند از گوشه و کنار جامعه سر بلند کرده است، ادبیات مربوط به مساله زن در جامعه از رونق بی سابقه ای برخوردار است، ۸ مارس ها بیک روز مهم، و روز ابراز وجود و زور آزمایی با رژیم اسلامی بدل شده است. جمهوری اسلامی اسیر زن ستیزی خود شده است، مدتی است که دیگر یک آب خوش از گلوی پایین نیمرود.

انقلاب کارگری: ۸ مارس امسال چه جایگاهی در پیشرفت جنبش زنان علیه آپارتاید جنسی دارد؟

آذر ماجدی: ۸ مارس روز زور آزمایی جنبش آزادی زن با جمهوری اسلامی است. در چند سال اخیر دگربار سنت گرامیداشت ۸ مارس در ایران زنده شده است و هر سال از رونق و گسترش بیشتری برخوردار میشود. در این روز امر زنان در سطحی وسیع و اجتماعی مطرح میشود.

جنبش آزادی زن در ایران قوی و وسیع است، جنبشی است دارای پتانسیل قوی، جنبشی ضد مذهبی و مدرن که ابعاد تاثیرات و نفوذ آن بسیار وسیع تر از جامعه ایران است. پیروزی این جنبش تاثیرات تعیین کننده ای بر وضعیت زنان در منطقه و بر موجودیت جنبش اسلام سیاسی علی العموم خواهد داشت.

باید فاکتورهای زیر را در نظر گرفت: یک انقلاب وسیع که ارکان یک نظام دیکتاتوری را به لرزه انداخت، شرکت وسیع زنان در این انقلاب، جنبش تازه شکل گرفته ای که میرفت تا هویت خود را بشناسد و بقدرت رسیدن یک نظام ارتجاعی و زن ستیز. ما شاهد بودیم که اولین جدال جدی اجتماعی با جمهوری اسلامی از طرف زنان شکل گرفت. تظاهرات های وسیع زنان علیه حجاب در ۸ مارس ۱۳۵۷ و در چند ماه پس از آن دوره جدیدی را در حیات جنبش آزادی زن آغاز کرد. از همان ابتدا روشن بود که امر آزادی زن بیک جبهه نبرد مهم و تعیین کننده در مقابل جمهوری اسلامی که ستم و سرکوب زن پرچم هویتی آن بود، بدل خواهد شد. پس از انقلاب برای یک دوره ای این جنبش به سکوت و رکود کشیده شد. ولی مقاومت فردی زنان در مقابل رژیم اسلامی یک وجه دائمی جامعه تحت سرکوب جمهوری اسلامی بود. اکنون ما با یک نسل جدید از زنان شجاع و حق طلبی مواجه هستیم که بطور روزمره

یک صف قوی و حق طلب و آزادیخواه در مقابلش شکل گرفته است و یک جنگ فرسایشی را به آن تحمیل کرده است. از آنسوی یک جنبش اجتماعی قوی و آرمانخواه در جامعه وجود دارد که امر آزادی زن را بدست گرفته است و جنبش آزادی زنان را بجلو میراند. کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش اجتماعی قوی در جامعه ایران پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی زنان را به اهتزاز درآورده است و هرگونه سازشی را و هرگونه تلاشی برای سقط کردن جنبش آزادی زن را بعقب میراند. وجود کمونیسم کارگری به جنبش آزادی زن ابعاد خیره کننده ای از قدرت و صلابت بخشیده است.

جنبش آزادی زن در ایران قوی و وسیع است، جنبشی است دارای پتانسیل قوی، جنبشی ضد مذهبی و مدرن که ابعاد تاثیرات و نفوذ آن بسیار وسیع تر از جامعه ایران است. پیروزی این جنبش تاثیرات تعیین کننده ای بر وضعیت زنان در منطقه و بر موجودیت جنبش اسلام سیاسی علی العموم خواهد داشت.

خواستههای زنان طرح میشود. بعلاوه ما در این روز شاهد اقدامات متهورانه و سنت شکنانه مهمی بوده ایم، پرت کردن حجاب و سوزاندن آن و شکستن آپارتاید جنسی سنتی بیادماندنی و قابل ستایش است. جنبش آزادی زن خود را تشبیت کرده است و در ۸ مارس این امر را با صلابت اعلام میکند.

۸ مارس امسال در شرایط سیاسی متحولی برگزار میشود. شرایط سیاسی جامعه در تلاطم است. یکسال اخیر ما شاهد اعتراضات مداوم مردم بوده ایم، اعتراضات گسترده ۲۰

خرداد تا ۱۸ تیر، ۱۶ آذر و اعتراضات و اعتصابات کارگری و معلمان لحظات مهم این دوره است. توازن قوا بطور کلی بنفع مردم چرخیده است. یک تحول مهم این دوره شکل گیری روشن و صریح جنبش سرنگونی طلبی است. باین معنا جمهوری اسلامی در موضعی بمراتب ضعیف تر و بحران زده تر است. ولی اوضاع در همین چند هفته اخیر تغییراتی کرده است. رژیم اسلامی در حول و حوش مضحکه انتخاباتی و پس از آن یورش را به مردم آغاز کرده است و کوشیده است که جو خفقان را سنگین تر کند. ۸ مارس در این شرایط برگزار میشود. از این رو است که اهمیت هر چه باشکوه تر برگزار کردن این روز و تلاش برای برگزاری میتینگ های وسیع بیشتر میشود. در عین حال هر تلاشی برای شکستن این جو از طرف مردم در این روز جمهوری اسلامی را زخم خورده تر و مفلوک تر خواهد کرد. ۸ مارس امسال بمعنای واقعی کلمه روز جدال جنبش آزادیخواهی با جمهوری زن ستیز و سیاه اسلامی است. جنبش آزادی زن در این روز میتواند سنگرهای مهمی علیه جمهوری اسلامی و بنفع آزادی و برابری فتح کند.

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

دو کارگر در تاکستان و شهر صنعتی البرز جان باختند

یک تراشکاری در شهر صنعتی البرز کار میکرد به علت گاز گرفتی از حال رفت وی نیز بعد از انتقال به درمانگاه شهر صنعتی البرز جانباخت.

بیمارستان تامین اجتماعی این شهر به علت شدت جراحات وارده جان سپرد.

کارگر دیگری به نام حسن حاجی زاده ۱۷ ساله که در

علی قربانی ۲۲ ساله، کارگر ساختمانی در دانشگاه آزاد واحد تاکستان در حین انجام کار به علت سقوط تیر آهن و اصاب آن به وی، مجروح شد او بعد از انتقالش به

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

از «یک دنیای بهتر» برنامه حزب کمونیست کارگری

و بیحقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظامها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه‌داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسانها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگردد. ایجاد اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخشهای محرومتر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه‌داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند.

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی‌های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب‌افتاده‌تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت‌های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق‌تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت‌ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته‌تر و مدرن‌تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش‌های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی‌الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه‌داری و سنتها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه‌داری نیست. اما سرمایه‌داری این میراث نفرت‌انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری

تاریخچه فشرده ۸ مارس

در سال ۱۸۵۷ اعتراض و تظاهرات زنان کارگر نساجی در نیویورک برای کاهش ساعات کار، افزایش دستمزد

و علیه تبعیض با یورش وحشیانه پلیس مواجه گردید. دهها زن کارگر جانباختند و یا زخمی شدند. این مبارزه

نشریه انقلاب کارگری از این سایتها قابل دسترسی است

www.kargaran.org
www.rowzane.com

اعتصاب یک هفته ای معلمان سراسر کشور

دستمزد، امنیت شغلی بیمه درمانی، حق تشکلی، لغو تفتیش عقاید و سانسور، حق مسکن و حق انتخاب مدیران توسط معلمان است را پیگیری می‌کنند. در طی این مدت پاسخ جمهوری اسلامی سرکوب، تهدید و دستگیری فعالین این حرکت بوده است. ما از مطالبات و خواسته‌های به حق معلمان حمایت قاطع می‌کنیم. اعتراض معلمان جزئی از اعتراضات گسترده علیه جمهوری اسلامی است و باید توسط دیگر بخشهای جامعه قویا حمایت گردد. دانش آموزان همراه با خانواده هایشان باید در صف اول این حمایت قرار گیرند. حمایت فعال از خواسته‌های معلمان جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را گامها به جلو خواهد برد.

معاون فرهنگی آموزشی سازمان مدیریت و برنامه ریزی و چند تن دیگر از نمایندگان درباره مشکلات صنفی معلمان و متحقق نشدن مطالبات با وجود وعده های داده شده، صحبت کردند. ادامه صحبت به مشاجره کشیده شد و معلمان معترض جلسه را ترک کردند. بهشتی افزود غروب روز شنبه قطعنامه ای صادر شد که در آن رفع تبعیض از حقوق و اجرای طرح ویژه پرداخت فرهنگیان به عنوان خواست اصلی معلمان مطرح شد. تحصن یک هفته ای مورد موافقت حاضران و امضا کنندگان قطعنامه قرار گرفت»

معلمان بیش از ۴ سال است که به اشکال مختلف اعتراضی خواسته‌های خود را که افزایش

محمود بهشتی دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران به خبرنگاران گفت: «معلمان برای دریافت مطالبات معوقه قصد دارند از صبح روز شنبه ۱۶ اسفند به مدت یک هفته از تدریس خودداری کنند. او اضافه کرد که طی این مدت معلمان در مدرسه حضور یافته اما بر سر کلاسهای درس حاضر نخواهند شد. این اقدام معترضه در ادامه تحصن معلمان در روز شنبه ۹ اسفند ماه مقابل مجلس شورای اسلامی است. روز شنبه ۹ اسفند ۱۰۰ نفر از نمایندگان کانونهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور از ساعت ۸ تا ۱۱ ظهر در مقابل مجلس شورای اسلامی تحصن کرده و با حضور کروی، مجید انصاری نماینده تهران، دکتر صدیقی

کارگران پتروشیمی تبریز اعتصاب می کنند

روز شنبه ۱۶ اسفند در مقابل این تصمیم و نیز در اعتراض به عدم پرداخت چهارماه دستمزد خود دست به اعتصاب می زنند.

پتروشیمی به کارگران اطلاع داده شده است که برای ادامه کار به جنوب بروند و یا بازخرید شوند. کارگران در مقابل این زورگویی اعتراض کرده اند و اعلام نمودند از

طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران، پتروشیمی تبریز به آستان قدس رضوی واگذار شده است و بدین ترتیب از شروع سال ۸۳ خصوصی میشود. از طرف مدیریت

آیت الله موسوی اردبیلی هم صدای پای کارگران را شنید

حاج آقا، اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر ایران در مقابل سرمایه داران و دولت اسلامی تان دیگر دارد سیلی میشود که ریشه همه تان را از ته میکند. آخر عمری فکری به حال خودتان بکنید.

حاج آقا فشار اعتراض کارگران را در هر گوشه جامعه حسابی احساس میکند. اما فتوای ایشان خط و نشان کشیدن برای کارگران است. می گوید که: «...ولی کارگران حقوق و مزایای بیشتری می خواهند نمی توانند تعهدات خود را نادیده گرفته و کار را تعطیل کنند، بلکه باید از طریق دیگر اقدام کنند».

قهرمانانه زنان کارگر مینایی شد تا کلارا زتکین یکی از رهبران حزب سوسیالیست پترزبورگ بر علیه روسیه تزاری نیز بود. از آزمان تاکنون در ۸ مارس زنان و مردان برای طلب و آزادخواه صدای اعتراض خود را به بی حقوقی، نابرابری، خشونت و فرو دستی زن در جامعه فریاد میزنند. زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

زنده باد جنبش مجمع عمومی!



” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 16

06.03.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت دوازدهم

آرمان بورژوازی محلی جا پیدا کرده. منتهی روشن است که این مارکسیسم جهان سومی و یا ایرانی باید برای انطباق با این تمایلات غیر سوسیالیستی و غیر کارگری ابعاد مهمی از مارکسیسم را حذف و وارونه و تحریف کند. آنچه مسلم است اینست که در کشورهای تحت سلطه، مارکسیسم به تئوری، ایدئولوژی و سیاستی برای یک قشر اجتماعی دیگر تبدیل میشود: بورژوازی رو به رشد این کشورها، و روشنفکران و تحصیلکرده ها و دانش آموختگان این کشورها که میخواهند مملکت شان را "بجائی برسانند"، بالاخره در موقعیت برابری با اروپا و امریکای صنعتی و پیشرفته و امپریالیست قرار بگیرند. معضل توسعه نیافتگی پشت این مارکسیسم و پشت تمام چپ رادیکال و سوسیالیسم خلقی در این کشورها نهفته است. همین ایده پشت مائوئیسم و سوسیالیسم جنبشهای چریکی آمریکای لاتین است. یعنی آنتی کولونیالیسم، آنتی امپریالیسم و معضل توسعه نیافتگی.

ادامه در شماره بعد

یک دنیای
بهتر
را بخوانید!

اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی است. این یکی از سرچشمه های اصلی سوسیالیسم بورژوازی زمان ما است. متشاه بعدی را باید در کشورهای تحت سلطه جستجو کرد. در مساله توسعه نیافتگی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم. واقعیت این است که امپریالیسم در اروپای غربی و آمریکا یک نوع واقعیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایجاد میکند و در بخشهای دیگر جهان نوع بسیار متفاوتی. در آن بخش جهان که در موضع تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد مناسبات اقتصادی و اجتماعی به شکل دیگری رشد میکند، بورژوازی به شکل دیگری رشد میکند و پرولتاریا به شکل دیگری رشد میکند. ایده توسعه اقتصادی، توسعه اقتصاد خود، استقلال کشور خود، اصلاحات در کشور خود، برقراری نوعی عدالت اجتماعی در کشور خود، صاحب اختیار شدن، صنعت داشتن و غیره، ایده هایی ریشه دار و قدیمی در این کشورهای عقب افتاده است. در خود ایران از اوائل قرن بیست - حتی قبل از آن از دهه آخر قرن نوزدهم، روشنی این آرمانها و تمایلات را در میان روشنفکران و اقتشار تحصیلکرده این جوامع می بینیم. مارکسیسم بخصوص اینجا و در رابطه با این

کارگری در روسیه مبداء آن را تشکیل میدهد. این سوسیالیسم، چهره سوسیالیستی اش را در دنیا نگهداشته، چون به دردش میخورد، توانسته بر این مبنا یک بلوک تشکیل بدهد، توانسته در سطح جهانی علیه رقبای اقتصادی و سیاسی اش قطب بندی بوجود بیاورد و اینها را همه به لطف این ادعا که این قطب سوسیالیسم است و پرچم نوع معینی از سوسیالیسم را بلند کرده توانسته است انجام بدهد. الان دیگر این وضعیت به بحران رسیده و با ظهور خط گورباچف به مراحل تعیین کننده ای در سرنوشت خود پا گذاشته است. (به این برمیگردم).

یک پایه دیگر سوسیالیسم بورژوازی زمان ما توسعه اروپای غربی بعد از جنگ جهانی دوم است. مقوله دولت رفاه مرکز تفکر این گرایش است. یعنی تکرار مجدد آنچه که مارکس در زمان خودش میگفت که سوسیالیسم بورژوازی میخواهد تضادها را تخفیف بدهد. منتهی اینجا یک عنصر جدیدی وارد بحث میشود. و آن مساله تخفیف بحران اقتصادی است. اقتصاد با برنامه و یا دخالت وسیع دولت در صنعت، خدمات و تنظیم اقتصاد ملی به کمک سیاستهای مالی و پولی و بودجه بندی، ادغام جنبش سندیکایی در پروسه تصمیم گیری پیرامون اداره اقتصاد بورژوازی، اینها همه ارکان سوسیالیسم بورژوازی در

از طبقه کارگر بوجود بیاورد، ریشه نوعی سوسیالیسم است. همانطور که گفتم این گرایش دیگر کمتر به زبان مارکسیسم حرف میزند، هرچند جناح چپ اینها هنوز به مارکسیسم متوسل میشوند. نمونه های این نوع ناسیونالیسم در پوشش سوسیالیسم را در جناح چپ جنبش سوسیال دموکراسی، بعضا در چپ نو، احزاب کمونیست و بخصوص اروپا کمونیست در اروپای غربی میبینیم.

منبع بعدی سوسیالیسم بورژوازی بنظر من پیامدهای انقلاب روسیه است. (در در بولتن شوروی در این رابطه بحث کرده ایم و من اینجا زیاد وارد آن جنبه های بحث نمیشوم) فقط این را میگویم که ما انقلاب روسیه را بعنوان تلاقی گرایشهای واقعی جامعه روسیه می بینیم یعنی کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم و رفرمیسم بورژوازی روسیه. شکست نهایی انقلاب روسیه سرآغاز یک حرکتی میشود که در آن مدل جدیدی از سوسیالیسم پا میگیرد که اساسش ناسیونالیسم و رفرمیسم و عظمت طلبی امپریالیستی کشور روسیه است. محتوای اجتماعی این سوسیالیسم، ساختن اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی کشور عقب مانده در شکل مدل دولتی معینی است. سوسیالیسم نوع روسی، یک مدل جدید و یک رگه جدید از سوسیالیسم بورژوازی است که پایه اش در در قرن بیستم است. شکست انقلاب

یکی از گرایشات سوسیالیسم معاصر - که ادامه همان سوسیالیسم بورژوازی قدیم است - سوسیالیسم بخشی از خود جامعه سرمایه داری است که میخواهد تناقضات و شکافهای درون خود را از بین ببرد و مبارزه طبقاتی را تخفیف بدهد و جامعه با ثبات و محترمی داشته باشد. اینها اکنون دیگر کمتر به اسم مارکسیسم حرف میزنند. خیلی کم. یعنی معمولا کسی که به اسم مارکسیسم حرف میزند، این گرایش را نمایندگی نمیکند. اما سوسیالیسم بورژوازی، ریشه های جدیدی دارد. یکی از آنها رشد صنعتی و سرمایه داری کشورهای اروپای غربی در نیمه دوم قرن گذشته و اوائل قرن حاضر است که کشمکش های ناسیونالیستی و جدال بر سر بازارها را در میان آنها تشدید میکند. و اینجا شاهد نوعی سوسیالیسم هستیم که در این جدال و رقابت، قدرت ملت خود و کشور خودش را طلب میکند. این را در بین الملل دوم دیدیم. اصلا سوسیال دموکراسی بر سر مساله جنگ اول جهانی و موضعگیری روی جنگ تبدیل به پدیده دیگری شد. احزاب سوسیال دمکرات ماهیتا ناسیونالیست هستند. این نوع ناسیونالیسم در کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه داری، بر مبنای پدیده هایی از قبیل آریستوکراسی کار و امتیازاتی که موقعیت امپریالیستی این کشورها را میتوان در بازار داخلی کشورهای خودشان برای بخشی

آزادی برابری حکومت کارگری